

فارسی، زبان تصویر ساز

درتکی بر لزوم پرسته سازی یک ویژگی زبان ملی

وحید حسینی ایرانی

به این گفته دقت کنید: «منتظر بومد تو بیایی و اندوهم برود.» حالا به گفته‌ای دیگر باریک شوید: «چشم به راه بومد تو بیایی و اندوهم برود.» تفاوت دو سخن یادشده در کجاست؟ بله، در دو فعل که با معنای یکسان و واژگان ناهمسان به کار رفته است. فعل گفته نخست (منتظر بودن) منظور را به مخاطب فارسی زبان می‌رساند، اما تصویر روشنی در مغز خواننده نمی‌سازد، ولی فعل ترکیبی که در سخن دوم می‌بینید (چشم به راه بودن) تصویر چشم‌هایی را ساخته که به راهی دوخته شده تا شخصی از راه برسد. نمونه‌ای دیگر را با هم مرور کنیم: «آدم پرخور سالم نخواهد بود.» و «آدم پر خور تن درست نخواهد بود.» صفت «سالم» در جمله نخست معنی می‌دهد، اما تصویر و حس، نه. برعکس آن، صفت «تن درست» تصویری از یک تن به دور از بیماری را در مغز شکل می‌دهد. نمونه بعدی، «چه بسا قساوت آن‌ها از مال حرام باشد.» و «چه بسا سنگ‌دلی آن‌ها از مال حرام باشد.» احتمالا برایتان واضح است که «سنگ‌دلی» تصویری و محسوس‌تر از «قساوت» است. یکی از ویژگی‌های برجسته زبان فارسی در گذشته همین تصویری و محسوس بودن ترکیبات فعلی و اسمی آن بوده است. به عبارتی در این ترکیبات (یعنی افعال واسم‌هایی که از بیش از یک واژه ساخته شده است.) سازهایی وجود دارد که برای ذهن انسان ایرانی و فارسی زبان در روزگار قدیم آشنا یا شناخته‌شده بوده است. علت این نزدیکی به ذهن هم این است که سازه‌های یادشده به زندگی و کار نیاکان ما نزدیک بوده است، بنابراین آن‌ها ترکیباتی را که یکی از سازه‌هایش جزو اعضای بدن (چشم، گوش، دست، پا، دل و...)، ابزارهای کار (تیشه، تیغ و...)، عناصر طبیعت (آب، آتش، خاک و...)، جانوران اهلی و وحشی مرتبط با امور زندگی (مرغ، گوسفند، شیر، گور و...) بود، در گفته‌های خود بیشتر به کار می‌بردند. این ویژگی با ورود بی‌رویه واژگان بیگانه به فارسی تا اندازه‌ای کمزنگ شد. دیگر به جای «دست‌کاری» از «تحریف» استفاده می‌شد و جای «زبردست» و «چیره‌دست» از «ماهر»، جای «چشم‌پوشی» نوشتیم و گفتیم «بی‌اعتنایی» و جای «گردن نهادن»، «اطاعت» کردیم! «تاکید» جانشین «پافشاری» شد و «مقاومت» به جای «پایداری» نشست. بی‌گمان قصد نگارنده نادیده انگاشتن تأثیر واژه‌های عربی در غنی و پرمایه‌تر شدن زبان ملی ما نیست. روشن است که شعر حافظ و سعدی و نثر تاریخ بیهقی و بسیاری دیگر از متون گران سنگ ادب فارسی پیامد این آمیزش است، اما به قول شادروان قاسم هاشمی نژاد «برای حفظ جوهر زبان، تعادل‌ی را باید نگه داشت.»

پس هر چه بیشتر و بهتر از ظرفیت‌های فارسی بهره ببریم. هم به پاسداری از جوهر زیانمان یاری رسانده‌ایم و هم به شیوایی سخنمان نزدیک‌تر شده‌ایم. باریک شدن در ویژگی حسی و تصویری ترکیبات زبان فارسی و به کار بردن آن، خاصه برای اهل قلم و باز مخصوصا برای داستان‌نویسان بسیار سودمند است. تصویرسازی یکی از راه‌های روشن ساختن و خوشایندتر شدن متن برای مخاطب و در نتیجه تأثیر بیشتر گذاشتن بر اوست، بنابراین متن هر چه برای ما تصویری‌تر و محسوس‌تر باشد، احتمال فارسی بودنش نیز بیشتر است. این یادداشت منکر گرایش اهالی دیگر زبان‌ها نیز به حس و تصویر نیست؛ بلکه مقصود آن است که اگر کلمه‌ای در زبان مبدأ بیگانه این ویژگی را برای زبان‌وران آن مبدأ داشته، علتش آشنایی و ملموس بودن کلمه برای ایشان است، اما در ورود به زبان مقصد (فارسی) دیگر چنین کارایی وجود ندارد و حتی هنگامی که کلمه بیگانه وافی به مقصود است، تنها قراردادی است نه محسوس و تصویری. در پایان این را باید بیفزاییم که حتی تعداد واژگان فارسی ناب، اما غیرتصویری و نامحسوس کم نیست. برای نمونه، «پَر» و «گرآیدین» و «هشدار» اگرچه فارسی است، معمولا به اندازه «لبریز» و «روی آوردن» و «گوشزد» دلخواه و انگاشتنی نیست و در مغز و ذهن مخاطب حسی از حواس پنج‌گانه (بینایی، شنوایی، بویایی، بساوایی، چشایی) برنمی‌انگیزد.

در نوشتن این یادداشت از پیش‌گفتار کتابی از قاسم هاشمی‌نژاد (کتاب ایوب، نشر کتاب هرمس، چاپ اول، ۱۳۸۱) و کتاب «بهتر بنویسیم» نوشته مرحوم رضا بابایی (نشر ادیان، چاپ پنجم، ۱۳۹۷) سود برده شده است.

خبر

«دوباره فردوسی» رونمایی شد

به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد حضور جهادی رهبر معظم انقلاب در واقعه زلزله فردوس در شهریورماه سال ۱۳۴۷، رویداد ملی اجلاسپه جهادگران، با حضور مسئولان کشوری و لشکری در شهرستان فردوس برگزار شد. به گزارش «فارس»، در این مراسم از کتاب «دوباره فردوس»، که روایتی از حضور رهبر معظم انقلاب و خدمات جهادی ایشان در آن ایام است، رونمایی شد. این کتاب ۲۴۰صفحه‌ای، با حضور ۴۰راوی، به قلم سید علیرضا مهرداد نوشته شده است و برای اولین بار خاطرات و اسناد منتشر نشده از رهبر معظم انقلاب در موضوع حضور ایشان در زلزله فردوس سال۱۳۴۷ به رشته تحریر درآمده است. کتاب دوباره فردوس در دو بخش حضور رهبر معظم انقلاب در ۱۳ شهریور سال ۴۷ و قرار گرفتن در جمع مردم، همچنین سفر دوم رهبر معظم انقلاب در زمان ریاست جمهوری به این شهرستان نوشته شده است.

زین قدیاد

علیرضا حیدری |مدرس ویراستاری

- جمشیدبادوستانش به سفررفت.**
- جمشیدودستانش به سفررفتند.**

📌 نکته

در حالت نخست، چون معنای همراهی می‌دهد نهاد واحد(مفرد) است، فعل مفردمی‌آید.

در حالت دوم چون معنای عطف می‌دهد نهاد مفرد نیست، فعل جمع می‌آید.

#زین-قدیپارسی

شهر

شهرآرآنلاین ۵شنبه ۱۷ شهریور ۱۳۹۹ شماره ۲۱۵۶

فرهنگ و ادبیات

معرفی کتاب

«جریده‌فریده» ما را با دنیای زنان پیشروی بعد از مشروطه آشنا می‌کند و بی‌واسطه نشانمان می‌دهد که تصویر زن امروزی چطور شکل گرفته و در تاریخ فکر و قلم ایرانی زنان چگونه هویت خود را تعریف کرده‌اند. این کتاب منتخبی از روزنامه‌«شکوفه»، دومین روزنامه‌زنان ایران است که به‌همت مریم‌عمید (مزین السلطنه) در دوره احمد شاه منتشر شد و تصویر دقیقی از وضعیت جامعه‌ایرانی و زنان آن دوره ارائه داد. «روزنامه‌ای است اخلاقی، ادبی، حفظ‌الصحه‌اطفال، خانه‌داری، بچه‌داری، مسلک مستقیمش تربیت دوشیزگان و تصفیه اخلاقی زنان، درباره مدارس نسوان، عجاله ماهی دو نمره طبع می‌شود.» این عبارت، توضیح ثابتی است که در صفحه اول همه شماره‌های شکوفه نوشته شده است؛ روزنامه‌ای چهار صفحه‌ای که در دوره چهار ساله انتشارش (۱۲۹۱-۱۲۹۵) به موضوع‌های گوناگونی پرداخته است. با توجه به وضعیت

اجتماعی و سیاسی ایران در سال‌های حکومت احمدشاه و وقوع جنگ جهانی اول، سیاست نشریه به مرور عوض شد و محتوای تربیتی کم‌کم جای خود را به دغدغه‌های وطن‌دوستانه داد. با وجود همه تغییراتی که در فرم و محتوای این نشریه اتفاق افتاده، اما یک نکته در آن ثابت است: تلاش و پشتکار مزین السلطنه و همکارانش برای بهبود شرایط زنان. این تلاش هم از راه تشویق دختران به علم‌آموزی بوده و هم از طریق آگاهی‌بخشی درباره بیماری‌های مخصوص زنان و کودکان. نویسنده‌ها در بعضی شماره‌ها درباره حب وطن ووظایف زنان درباره وطن با مخاطبان حرف‌زده‌اند و در بعضی صفحات راه‌حل‌هایی برای مشکلات زناشویی ارائه داده‌اند. نکاتی از وضعیت زنان در کشورهای پیشرفته، گزارش‌هایی درباره شرایط مدارس دخترانه ایرانی و انتشار کاریکاتورهایی متناسب با دغدغه‌های روز، بخش دیگری از کوشش‌های دست‌اندرکاران روزنامه برای

«منتخب القصائد» اولین کتاب چاپی آستان قدس رضوی دوباره منتشر شد

راقم مشهد، یک قرن بعد

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش خبری

آیین رونمایی از کتاب «منتخب القصائد، اولین اثر چاپ شده توسط آستان قدس رضوی هم‌زمان با روز صنعت چاپ به همت اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی با مشارکت سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز آستان قدس رضوی، سازمان علمی و فرهنگی و مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی و با حضور حجت الاسلام علی اکبر سزبان، مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، حجت الاسلام سید جلال حسینی، رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ابوالفضل حسن آبادی، مدیر گنجینه نسخ خطی آستان قدس رضوی و مصطفی لعل شاطری، پژوهشگر مرکز نسخ خطی آستان قدس رضوی و مصحح کتاب برگزار شد.

● «منتخب القصائد» منبع فاخری برای ذاکرین

اهل بیت^(ع) است

علی اکبر سزبان در ابتدای این مراسم تصحیح اولین کتاب چاپی آستان قدس رضوی را اتفاق بسیار ارزشمندی دانست و گفت: «یکی از نکات جالب این اثر اهتمام مرحوم، راقم مشهدی، به تدوین مجموعه‌ای از اشعار افراد مختلف است که در سه بخش به عرض ارادت خود نسبت به ساحت اهل بیت^(ع) و به ویژه واقعه کربلا پرداخته‌اند. در واقع می‌توان این اثر را یک منبع مناسب برای ذاکرین اهل بیت^(ع) در راستای استفاده از منابع فاخر و عمیق و همچنین برای محققان و پژوهشگران دانست.

وی با بیان اینکه هر کتاب چاپ شده نتیجه دغدغه چندین ماه یا سال‌های یک نویسنده است، گفت: باید در ادامه به دغدغه مصطفی لعل شاطری توجه کنیم که به چه نیت و هدفی سعی در بازنشر این اثر پس از گذشت یک قرن شده است.

حجت الاسلام علی اکبر سزبان همچنین پیشنهاد راه‌اندازی اتحادیه کتابخانه‌های عمومی جهان اسلام با پرچمداری آستان قدس رضوی را داد و گفت: «همگرایی در جهان اسلام در کتابخانه‌های عمومی با محوریت آستان قدس رضوی می‌تواند باعث تعاملات، مبادلات و تسهیل‌گری در دسترسی به منابع

در اختیار کتابخانه‌های عمومی جهان اسلام شود.» حجت الاسلام سید جلال حسینی، رئیس سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی،

گفت: «با دیدن افراد جوانی همچون مصطفی لعل شاطری دو حس متضاد خوش حالی و غم را در خود احساس می‌کنم. خوش حالی از این باب که فردی با این سن با ابتکار و در دست گرفتن موضوعی مناسب با شهامت به تحقیق و تفحص در یک حوزه خاص می‌پردازد و ناراحتی از این بابت که تعداد این محققان بسیار کم است.»

● این کتاب تاریخ تجربه اولین چاپ کتاب در مشهد است

در پایان مصطفی لعل شاطری، مصحح کتاب «منتخب القصائد»، از تاریخچه چاپ و نشر کتاب در ایران صحبت کرد و گفت: «نخستین دستگاه چاپ در قرن ۱۵ میلادی، اختراع و در قرن ۱۸ وارد ایران شد. در دوره قاجار عباس میرزا

نائب السلطنه نخستین چاپخانه را در تبریز با استفاده از تکنیک چاپ سری‌ی تأسیس کرد، اما به واسطه دسترسی مردم به نسخ خطی و بهره‌گیری از زیبایی آن،

ویژه نسوان وطن

تغییر وضعیت زنان ایرانی بود. مطالب کتاب «جریده‌فریده» و فصل‌بندی آن با توجه به همین دغدغه‌ها انتخاب شده است و معیارمان برای گزینش متن‌ها، میزان اهمیت موضوع‌های مختلف و میزان پرداختن به آن‌ها بوده است. روزگاری که صدای زنان عموما شنیده نمی‌شد، روزنامه‌های زنان راهی بودند تا بخش بزرگی از جامعه بتوانند شخصیت و نقش تازه‌ای برای خودشان تعریف کنند و صدایشان را به گوش مسئولان مملکت برسانند. در میان همه این نشریات «شکوفه»، به خاطر ابتکارهایی مثل انتشار کاریکاتور و البته به دلیل شخصیت مدیرمسئولش جایگاه مهمی دارد. مریم عمید، صبیحه‌مرحوم آقا میرزا سید رضی رئیس‌الاطباء، زنی روشنفکر، بود

که در عمر کوتاهش هم روزنامه‌شکوفه را منتشر کرد، هم مدرسه «دارالعلم و صنایع مزینیه» را تأسیس کرد و هم در «انجمن همت خواتین» به عنوان یکی از اولین انجمن‌های زنان ایران نقش مهمی داشت. زنان دیگری هم با نوشتن مقالات و لوايحشان در شکل‌گیری شکوفه نقش داشتند. کسانی مثل شهناز آزاد، دختر میرزا حسن رشدیه و همسر ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای که بعدها سردبیر یکی از نشریات زنان به نام «نامه بانوان» شد. فانیه حاجیه، مدیر دبستان حرمتیه سادات و ملک‌تاج که مسئول تقشیش مدارس نسوان بود. این کتاب را به تازگی نشر «اطراف» منتشر کرده است.



افراد دیگری همچون متولی وقت، مؤتمن‌الملک، میرزا رفیع و اسماعیل تاجر هروی به‌عنوان فعالان و حامیان نشر نیز در چاپ و خلق این اثر مشارکت داشتند. «مصطفی لعل شاطری افزود: «از جمله ویژگی‌های ظاهری کتاب «منتخب القصائد» می‌توان به جلد و صحافی، قطع، کاغذ، خط و صفحه‌آرایی آن اشاره کرد که این موارد جزو شاخص‌های مناسب به‌عنوان نخستین تجربه چاپ در مشهد است.

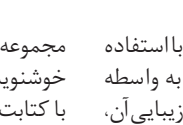
در بُعد محتوا نیز هر چند قرارگیری اشعار به‌صورت پشت سر هم از توالی منظمی برخوردار نیست، اما با خوانش متن، می‌توان سه زیرشاخه مدح، تمجبت و ذکر رشادت‌ها و مصائب ائمه اطهار^(ع) و خاندان ایشان، مدح متولیان، حکمرانان و فعالان سیاسی و نظامی خراسان و بعضا در دیگر مناطق و مدح اهل علم، ادب و فرهنگ را تشخیص داد.»

کمتر با استقبال مواجه شد. سال ۱۲۴۹ قمری صنعت چاپ سنگی وارد ایران شد و نخستین کتاب چاپ شده توسط این صنعت یک جلد قرآن کریم به کوشش میرزا صالح شیرازی بود. در همان سال نیز در مشهد نخستین کتاب چاپ‌سنگی به همت آستان قدس رضوی با تولیت مؤتمن‌الملک با نام «منتخب القصائد» توسط راقم مشهدی به چاپ رسید.

لعل شاطری با اشاره به اینکه تازه‌ترین یافته‌ها نشان می‌دهد که پس از آغاز به کار این چاپخانه از سال ۱۲۴۹ تا ۱۳۴۴ قمری بالغ بر ۱۲۸ اثر در حوزه‌های مختلف مذهبی، فقهی، ادبی، تاریخی چاپ شده است، گفت: «این کتاب نخستین کتاب انتشار یافته‌از سوی چاپخانه آستان قدس رضوی در سال ۱۲۹۴ قمری و به‌عنوان اولین کتاب چاپی مشهد است. این اثر دربردارنده مجموعه‌ای از قصاید علی‌راقم مشهدی، از خوشنویسان و شاعران مشهدی است که با کتابت او نیز آماده چاپ شد.



مصطفی لعل شاطری:
از جمله ویژگی‌های ظاهری کتاب «منتخب القصائد» می‌توان به جلد و صحافی، قطع، کاغذ، خط و صفحه‌آرایی آن اشاره کرد که این موارد جزو شاخص‌های مناسب به‌عنوان نخستین تجربه چاپ در مشهد است



خراسان پژوه و مدیر مکتب بافت

رضا سپیدان نوری

نگاهی به زندگی محمود احمدزاده هروی، نخستین وزیر صنعت و معدن ایران اسلامی، که به تازگی دارفانی را وداع گفت

زمین‌شناس لغت‌دان



و به ایجاد لغات معادل برای اصطلاحات مختلف علمی حوزه زمین‌شناسی و معدن کاری پرداخت. خدمتی که میراث بزرگ او برای نسل‌های آینده ایران زمین بوده و هست و حتی یادگاری با ارزش‌تر از پتانس منطقه خور و بیابانک که او برای نخستین بار آن‌ها را شناسایی کرد و درست به همین دلیل است که درگذشت غریبانه او را که هنوز به رغم گذشت یک هفته از آن انعکاس خوبی حداقل در نزد معدن‌شناسان و زمین‌شناسان خراسانی نداشت، غریبانه‌تر کرده است و گواهی بر مثل مهم «هر کس از دیده‌رود از دل برود»، شده است. باشد که این امر برای اهل فرهنگ و علم خراسان، درسی بزرگ باشد که هیچ‌گاه پیوند خود را با خراسان و مشهد قطع نکنند.

منصوب کند. مسئولیتی که در دوران پس از استعفای گروهی دولت‌موقت در آبان‌ماه ۱۳۵۸ هم ادامه پیدا کرد، زیرا او از معدود وزرای دولت موقت بود که مهر تأیید رهبر معظم انقلاب را بر کارنامه خود دید و با حکم صادره در ۱۶ آبان ۱۳۵۸ از سوی ایشان، وزیر معادن و فلزات دولت شورای انقلاب شد. وی در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ نیز به عنوان وزیر مشاور دولت شهید رجایی و سرپرست شرکت ملی فولاد ایران، مشغول به کار بود و سپس به ترتیب سفیر ایران در یوگسلاوی سابق، مشاور وزیر معادن و فلزات و رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور شد و تا سال ۱۳۷۷ در این پست آخر فعالیت کرد و البته تا سال ۱۳۸۱ هم در دانشگاه تهران تدریس کرد و سپس بازنشسته شد. مشاغلی که همه پیوند وی را با مشهد، کمتر و کمتر کرد. اما در تمام این دوران‌ها خاصه هنگام تدریس در دانشگاه و ریاست سازمان زمین‌شناسی، احمدزاده هروی کاری کارستان را پیگیری می‌کرد که او را در نزد تمامی اهل معدن و زمین‌شناسان ایرانی به چهره‌ای ماندگار و یک استاد کامل تبدیل کرده بود. وی همیشه در تلاش بود تا در توان از ورود لغات بیگانه به حوزه کاری خود جلوگیری کند و با توجه به تسلط خوبی که به زبان پارسی داشت، یک تنه نقش فرهنگستان زبان و ادب فارسی را در حوزه معدن و البته زمین‌شناسی بر عهده گرفت